

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ • ربیع الاول ۱۴۴۸ • ۱۵ آگوست ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۸۰۵۴۵۰ صفحه اذان ظهرتهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۰۳ • اذان صبح فردا ۳:۵۲ • طلوع آفتاب ۵:۲۴

اتفاق خوانی

تیم ملی المپιάد کامپیوتر ۴ نشان دریافت کرد

تیم ملی المپιάد کامپیوتر ایران در سی‌وهشتمین دوره المپیاد جهانی کامپیوتر ۲۰۲۶ در تاشکند چهار نشان جهانی کسب کرد. سی‌وهشتمین دوره المپیاد جهانی کامپیوتر (IOI ۲۰۲۶) از ۹ تا ۱۶ آگوست ۲۰۲۶، برابر با ۱۸ تا ۲۵ مردادماه ۱۴۰۵، به میزبانی تاشکند در ازبکستان برگزار شد. این رقابت معتبر جهانی با حضور دانش‌پژوهان برتر حوزه علوم کامپیوتر از بیش از ۹۷ کشور جهان برگزار شد و ۳۸۶ دانش‌آموز برای حضور در این دوره ثبت‌نام کرده بودند. تیم ملی المپیاد کامپیوتر جمهوری اسلامی ایران نیز با چهار دانش‌پژوه در این رقابت جهانی حضور یافت و موفق شد با کسب دو مدال نقره، یک مدال برنز و یک دیپلم افتخار، افتخاری دیگر برای کشورمان در عرصه رقابت‌های علمی بین‌المللی رقم بزند. اعضای تیم ملی ایران در این دوره عبارت بودند از: حامد غفاری اقدس: مدال نقره جهانی، آرش استادشریف معمار: مدال نقره جهانی، محمد شایان: مدال برنز جهانی و بهامین شفق: دیپلم افتخار.

حقوق خوانی

عدالت یا قطعیت؟

پیمان حاج‌محمود عطار

وکیل دادگستری

مبنای فلسفه حقوقی تفاوت مهلت اعاده دادرسی حقوقی و کیفری و تفاوت میان اعاده دادرسی حقوقی و کیفری، صرفا تفاوتی در مقررات شکلی نیست؛ بلکه بازتاب یک انتخاب فلسفی در نظام حقوقی است. هر نظام قضایی با دو ارزش بنیادین مواجه است: نخست، عدالت؛ یعنی ضرورت اصلاح رأی نادرست و جلوگیری از تثبیت بی‌عدالتی. دوم، قطعیت و امنیت حقوقی؛ یعنی ضرورت آنکه اختلافات در نقطه‌ای پایان یابند و اشخاص بتوانند به تصمیم نهایی دادگاه اعتماد کنند. این دو ارزش همیشه با یکدیگر هماهنگ نیستند. اگر عدالت را بدون محدودیت دنبال کنیم، هیچ رایی هرگز کاملا قطعی نخواهد شد؛ زیرا همواره ممکن است دلیل تازه‌ای پیدا شود یا ادعایی درباره اشتباه‌بودن رأی مطرح شود. از سوی دیگر، اگر قطعیت را مطلق بدانیم، ممکن است یک رأی ناعادلانه صرفا به دلیل گذشت زمان، به حقیقت حقوقی تبدیل شود. اینجااست که تفاوت میان حقوق مدنی و کیفری اهمیت پیدا می‌کند. در حقوق خصوصی، قانون‌گذار غالبا برای حفظ امنیت معاملات، ثبات روابط حقوقی و اعتماد اشخاص به وضعیت‌های ایجادشده، پس از گذشت مهلت معین، امکان اعاده دادرسی را محدود می‌کند. اما در حقوق کیفری، مسئله متفاوت است. موضوع ممکن است آزادی، حیثیت یا حیات انسان باشد؛ بنابراین فلسفه حقوق کیفری نمی‌تواند به‌آسانی بپذیرد که گذشت‌زمان، یک محکومیت‌ناوراً را اصلاح‌ناپذیر کند. از این منظر، فقدان مهلت برای اعاده دادرسی کیفری را می‌توان یک انتخاب ارزشی دانست: قانون‌گذار در تعارض میان «قطعیت» و «عدالت کیفری»، در موارد استثنایی، عدالت را بر قطعیت ترجیح داده است. اما این انتخاب، پرسش فلسفی مهم‌تری ایجاد می‌کند: آیا رأی قطعی، چون قطعی است، عادلانه تلقی می‌شود؛ یا چون عادلانه است، باید قطعی شود؟ اگر پاسخ اول را بپذیریم، قطعیت منشا عدالت خواهد شد. اما اگر پاسخ دوم را بپذیریم، قطعیت صرفا وسیله‌ای برای تحقق عدالت است و هرگاه با عدالت تعارض پیدا کند، باید امکان بازنگری در آن وجود داشته باشد. به‌همین‌دلیل اعاده دادرسی را می‌توان نقطه تلافی دو مفهوم بنیادین فلسفه حقوق دانست: حقیقت قضایی در برابر قطعیت قضایی. دادگاه ممکن است رایی قطعی صادر کند؛ اما قطعی بودن رأی لزوما به معنای مطابقت آن با واقعیت نیست، بنابراین، فلسفه اعاده دادرسی را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: «حقوق برای پایان‌دادن به اختلافات به قطعیت نیاز دارد؛ اما برای جلوگیری از تثبیت بی‌عدالتی، باید راهی برای عبور از قطعیت نیز باقی بگذارد.» و شاید مهم‌ترین پرسش فلسفه دادرسی همین باشد: «اگر میان امنیت ناشی از قطعیت یک رأی و عدالت ناشی از اصلاح یک رأی نادرست مجبور به انتخاب باشیم، کدام را باید انتخاب کنیم؟» پاسخ به این پرسش، صرفا یک پاسخ آیین دادرسی نیست؛ بلکه نشان‌دهنده تصویری است که هر نظام حقوقی از عدالت، حقیقت، امنیت و انسان دارد.



مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد حسین (ایرج) خواجه‌امیری مقلب به «پهلوان آواز» صبح جمعه (۲۳ مرداد ۱۴۰۵) با حضور جمع زیادی از هنرمندان موسیقی، استادان، پیشکوتان و دوست‌داران آواز ایرانی مقابل تالار وحدت برگزار شد. مرحوم خواجه‌امیری (۲۱ مرداد ۱۴۰۵) پس از دوره‌ای بیماری در ۹۴ سالگی دار فانی را وداع گفت.

عکس: عباس تاجیک‌یار، آنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

حسین خواجه‌امیری در ۹۴ سالگی درگذشت

پهلوانی با صدایی بی‌جانشین

بود، شیفته صدای ایرج بود. این شیفتگی از زبان بنان، برای هر خواننده‌ای می‌توانست بزرگ‌ترین نشان اعتبار باشد. حسن کسایی، نابغه نی و موسیقی ایران، به او لقب «پهلوان آواز ایران» را داد. بی‌شک او از معدود خوانندگان ایرانی است که چند نسل با صدای او خاطره دارند و شاید راز ماندگاری ایرج همین باشد که او هیچ‌وقت شبیه هیچ‌کس نبود.

بردرفه مرد محبوب: آواز ایرانی به سوی خانه ابدی

مراسم تشییع پیکر مرحوم حسین خواجه‌امیری جمعه بیست‌وسوم مرداد از مقابل تالار وحدت تهران برگزار شد. در ابتدای این مراسم حمیدرضا نوربخش خواننده و مدیرعامل خانه موسیقی ایران در سخنان کوتاهی گفت: «ایرج خاطره چندین نسل است و چه ما بخواهیم و چه نخواهیم، چه من بگویم و چه نگویم، نمی‌شود ایرج را از تاریخ موسیقی و آواز این کشور جدا کرد. او یک حنجره بی‌نظیر و استثنایی دلداده بود که متر و معیار صدا بوده، هست و خواهد بود. نزدیک به نیم‌قرن، شاید هم کمی بیشتر، این مرد آواز خواند، ترانه خواند و حاصل کارش را به آرشیو و حافظه فرهنگی، هنری و موسیقایی ایران تقدیم کرد. این مرد یک زن بی‌نظیر و عجیب و استثنایی داشت. بدون اینکه معلم مستقیمی داشته باشد، با ذهن و ضمیر خودش و با نبوغ ویژه‌ای که روی آن تأکید دارم، از همه شنیده‌ها و دریافت‌هایش مجموعه‌ای را شکل داد و سبک و سباق خودش را به وجود آورد. بعد که به تهران آمد، بزرگان بسیاری از جمله صبا را دید و توانست از خرم وجود همه آنها خوشه بچیند و بشود ایرج». مدیرعامل خانه موسیقی ایران ادامه داد: «بعضی‌ها در فضای مجازی می‌خواهند موسیقی را قطعی‌سازی کنند اما وقتی زنده‌یاد شجریان به ایرج لقب «پهلوان آواز ایران» می‌دهد نشان از بزرگ‌منشی مردی است که خدمت زود که به هنر کرد. پس وقتی بزرگان با هم چنین رفتاری می‌کنند ما هم باید از قطعی‌سازی پرهیز کنیم.

یاد

صدایی که از رادیو آمد و در حافظه ایرانیان ماندگار شد



بهروز ارجمند

قدرت صدا را با بیان شعر همراه کند. از سوی دیگر، وسعت صوتی و توانایی او در عبور از بم به اوج، یکی از مشخصه‌های کم‌نظیر آوازش بود. در منابع مربوط به آواز او نیز بر یکدستی و کنترل صدا در مناطق مختلف صوتی و همچنین وضوح بیان شعر تأکید شده است. به همین دلیل شاید بهتر باشد ایرج را نه فقط «خواننده‌ای صاحب صدای زیبا»، بلکه یکی از مهم‌ترین صداهای پیونددهنده سنت آواز ایرانی با فرهنگ عمومی مردم بدانیم.

صدایی که به تصویر جان داد

نسل‌های قدیمی‌تر او را فقط از رادیو نمی‌شناسند. صدای ایرج در سینمای ایران نیز حضوری پررنگ داشت. او برای شماری از فیلم‌های سینمایی آواز خواند و صدایش، به‌خصوص در ارتباط با شخصیت‌های محبوب سینمای آن دوره، وارد حافظه سینمایی مردم شد. این اتفاق از یک جهت مهم است: ایرج نشان داد که آواز ایرانی می‌تواند در کنار موسیقی روز و سینما نیز حضور داشته باشد، بدون آنکه الزاما هویت خود را از دست بدهد. شاید به همین دلیل است که وقتی درباره تاریخ موسیقی قرن گذشته ایران صحبت می‌کنیم، این‌توان مرز روشنی میان «موسیقی دستگاهی»، «ترانه»، «آرادیو» و «سینما» کشید. هنرمندانی مانند ایرج در همه این حوزه‌ها حرکت کردند و بخشی از تاریخ موسیقی عامه‌پسند و جدی ایران را هم‌زمان ساختند.

خاطره شخصی

سال‌ها بعد، وقتی خودم وارد عرصه موسیقی شدم، رابطه‌ام با خانواده

۲۰۰ سال

مدیر کل حفاظت محیط زیست مازندران گفت: «بر اساس روند‌های موجود، تراز آب دریای خزر سالانه حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متر کاهش پیدا می‌کند و در شرایط فعلی، خزر در پایین‌ترین تراز آبی خود طی حدود ۲۰۰ سال اخیر قرار گرفته است». او گفت: ۲۵ درصد آب خزر از بارش‌ها و ۷۵ درصد از طریق رودخانه‌ها تأمین می‌شود و در این میان، رودخانه ولگا مهم‌ترین ورودی آب به خزر به شمار می‌رود و به تنهایی حدود ۸۰ درصد آب ورودی این دریا را تأمین می‌کند. ادامه این روند می‌تواند بر معیشت جوامع ساحلی، تأسیسات و زیرساخت‌های ساحلی و همچنین زیست‌بوم‌های وابسته به خزر اثرگذار باشد.

یادداشت

جامعه‌ای که دیگر

به توضیح گوش نمی‌دهد

محمدجواد خوندی

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی و فعال رسانه

ما سال‌ها به یک قاعده ساده در ارتباطات عادت کرده بودیم؛ اگر مردم چیزی را نمی‌دانند، برایشان توضیح بدهیم و اگر درباره موضوعی ابهام دارند، اطلاعات بیشتری در اختیارشان بگذاریم. تصور این بود که واقعیت، وقتی درست و دقیق روایت شود، در نهایت راه خود را به ذهن مخاطب باز می‌کند. اما مسئله امروز شاید دیگر کمبود اطلاعات یا حتی ضعف توضیح نباشد. مسئله از جایی شروع می‌شود که مخاطب، پیش از شنیدن توضیح، درباره آن تصمیم گرفته است.

این تغییر، کوچک نیست. در گذشته می‌شد مخاطب را نقطه پایان فرایند ارتباط دانست؛ پیام ارسال می‌شد، مخاطب آن را دریافت می‌کرد و بعد درباره‌اش قضاوت می‌کرد. امروز این ترتیب در بسیاری از موقعیت‌ها به هم خورده است. مخاطب با یک پیش‌زمینه وارد پیام می‌شود؛ تجربه‌های قبلی، تصویری که از فرستنده دارد، روایت‌هایی که پیش‌ازاین شنیده و حتی احساسی که درباره موضوع پیدا کرده است، همگی پیش از خود پیام وارد فرایند ارتباط شده‌اند.

به همین دلیل است که گاهی یک خبر واحد، برای دو گروه از مخاطبان دو معنای کاملاً متفاوت پیدا می‌کند. حتی ممکن است هنوز کسی متن خبر را نخوانده باشد، اما در شبکه‌های اجتماعی درباره آن موضع گرفته باشد. نه لزوما به‌این‌دلیل که خبر را فهمیده یا نفهمیده، بلکه چون از قبل تصمیم گرفته است، چه چیزی را از چه کسی باور کند و چه چیزی را نپذیرد.

اینجا با چیزی فراتر از بی‌اعتمادی روبه‌رو هستیم؛ نوعی پیش‌داوری ارتباطی. مخاطب پیش از مواجهه با پیام، درباره اعتبار آن قضاوت می‌کند. در نتیجه، پیام دیگر در یک زمین خالی فرود نمی‌آید. زمین از قبل آماده است و گاهی حتی نتیجه پیش از آغاز ارتباط مشخص شده است.

شبکه‌های اجتماعی این وضعیت را پررنگ‌تر کرده‌اند. مخاطب امروز فقط پیام دریافت نمی‌کند؛ آن را انتخاب، مقایسه، تفسیر و بازنشر می‌کند. او می‌تواند یک روایت رسمی را کنار چند روایت دیگر قرار دهد و در نهایت روایتی را بپذیرد که با تجربه یا برداشت قبلی‌اش سازگارتر است. به‌همین‌دلیل انتشار یک توضیح رسمی دیگر پایان ارتباط نیست؛ تازه آغاز مرحله‌ای است که در آن مخاطبان درباره معنای آن توضیح با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند.

در چنین شرایطی، یک اشتباه رایج این است که هر مخالفتی را به ناگاهی نسبت دهیم. مخاطبی که توضیحی را نمی‌پذیرد، لزوماً اطلاعات کافی ندارد؟ نه همیشه. ممکن است اطلاعات داشته باشد. اما تجربه متفاوتی داشته باشد. ممکن است توضیح را کاملاً فهمیده باشد. اما آن را با تصویری که از فرستنده در ذهن دارد، سازگار نبیند. اینجااست که افزودن چند صفحه آمار و چند تکرار یک پیام، الزاما مسئله را حل نمی‌کند.

برای رسانه‌ها و نهادهای رسمی، این تغییر یک پیام روشن دارد: پیش از اینکه بپرسم «چه بگویم»، باید بدانم «مخاطب با چه پیش‌زمینه‌ای دارد حرف ما را می‌شنود؟».

این سؤال، ما را از منطق ساده انتقال پیام به منطق رابطه می‌برد. اعتماد، سابقه ارتباطی، تجربه‌های زیسته و حتی نحوه برخورد قبلی با مخاطب، بخشی از خود پیام شده‌اند؛ حتی اگر در متن خبر یک کلمه هم درباره آنها نوشته نشده باشد.

شاید به همین دلیل است که امروز گاهی یک توضیح درست هم شنیده نمی‌شود. به‌چون مخاطب الزاما با حقیقت مخالف است، بلکه چون رابطه‌ای که باید امکان شنیدن را فراهم کند، پیش از رسیدن پیام آسیب دیده است.

در چنین شرایطی، رسانه بیش از آنکه به بلندتر کردن صدا نیاز داشته باشد، به بازسازی امکان شنیده‌شدن نیاز دارد. جامعه امروز الزاما جامعه‌ای نیست که توضیح نمی‌خواهد؛ جامعه‌ای است که دیگر هر توضیحی را فقط به دلیل رسمی‌بودنش نمی‌پذیرد. و شاید مهم‌ترین مسئله ارتباطات امروز همین باشد: پیش از آنکه بتوانیم مخاطب را قانع کنیم، باید کاری کنیم که حاضر باشد حرف ما را بشنود.

۵۰۰ هزار نفر

یک مقام مسئول در اردبیل اعلام کرد: برابر آمارهای موجود طی سه روز گذشته بیش از ۱۰۰ هزار خودرو وارد شهرستان سرعین شده‌اند و این در حالی است که در هفته جاری بیش از نیم‌میلیون گردشگر در این شهر توریستی حضور پیدا کرده‌اند. در همین راستا جلسه فوق‌العاده ستاد خدمات سفر شهرستان سرعین برگزار شد. در حالی که جمعیت ساکن شهر توریستی سرعین ۵ هزار نفر است، در برخی از روزهای اخیر شاهد حضور گردشگران به میزان بیش از ۴۰ برابر جمعیت شهر هستیم و خدمات‌رسانی به این تعداد مسافر کار دشواری است که با همت مردم سرعین و مسئولان مرتبط ممکن می‌شود.